

موا فقتنامه امنیتی و قوله کشی شغالها در کابل !

هوای کابل خنک و زمستانی است، مردم بیچاره و ناتوان در حسرت داشتن یک بوجی ذغال و یک خروار بوره اره و چند سیر چوب و چند گیلن تیل، شب ها را روز میکنند و راهی برای تهیه این مواد نمی یابند، زیر ابا توجه به سطح بالای بیکاری وبی روزگاری و گرانی کمر شکن، کمتر از مردم آن دیار توان خرید و تهیه مواد مورد نیاز زمستان را دارند، در این هوای خنک و سردرگمی مردم بیچاره، بازار معامله گران سیاست هر روز گرم تر و داغ تر میشود معامله گران خون و ناموس و عزت و شرف برای بهره گیری بیشتر و بدست آوردن منافع کلان در این بازار خود را آماده می کنند!!

کفتار پیر، استاد بزرگ، برای رسیدن به رهبری و زعامت و رفتن به کاخ ریاست جمهوری، آیه های قرآن و سیره رسول الله و اصحابش را، زمزمه میکند و قیافه پراز محبت و رحمت بر خود میگیرد، تا گوسفندان زخمی شده و دست و پا شکسته و زنده مانده از قتل گاه خونین افشار، از دیدنش رم نکنند، هنوز بوی کباب گوشت هزارگی از دهن مبارک استاد به مشام میرسد، شوهر کشته ها و پدر کشته های دیار افشار ماتم دار و سیاه پوش در انتظار افشای لست هزاران قربانی دیگر، لحظ شماری میکنند هنوز هوای افشار بوی گوشت سوخته و باروت میدهد و ارواح کشته گان و سوخته گان در آتش استاد در انتظار تحقق بازپرس و عدالت، در گورهای خونین خویش آرام نمی گیرند، ولی اخیراً، استاد بزرگ در مصاحبه با تلویزون طلوع با زرنگی خاص استادی خودش مسئولیت آن فاجعه هولناک را که خود به انجامش دستور فرموده بودند، به گردن خداوند رحمن و رحیم انداخت که آفریدگار جهان این موجود بنام انسان را ضعیف و ناتوان خلق کرده است که به موجب این ضعف گهگاهی دست به چنین خطاها و قتل عام ها میزند که اگر آن ضعف در خلقت ما انسان ها نبود چنین مصیبت هائی دامن آدمی زادگان را نمی نمیگرفت،.

یک چنین استدلالی جامع و کامل که نه تنها بدرد خودش بلکه بدرد همه جنایت کاران در تاریخ، از چنگیز خان مغول گرفته تا استالین و هتلر موسلینی و حفیظ الله امین و سروری و دوستم عصمت و جمعه و سائیرین را بدرد میخورد، بخصوص در قیامت کبرا، پایان این جهان، روز دادخواهی و داد رسی که خدای رحمن به عنون مالک یوم

الدین در حین دادرسی وقتی از اینها بپرسد که چرا بر روی زمین فساد کردید و بنده گان بیگناه مرا کشتید ، و اینها همه با استناد به استدلال استاد بزرگ فریاد برآوردند که آی ذات قادر وتوانا و دادرس آی خدای عادل وعزیز وقهار ، اگر راستمان را بگوایم گستاخی میشودولی با هزاران سبحان الله و استغفر الله گلایه ما از ذات الوهیت این است که ما را در همان آغاز خلقت به عنوان انسان ضعیف و ناتوان و ناقص آفریدی ! زیاد گفتنش در محضر ذات قادروتوانا خوب نیست ، که به ساحه الوهیت گستاخی میشود ، خودت به خوبی میدانی که تقصیر از ما نبوده است !!

ضعف در خلقت موجب شد که ما بندگان ضعیف مرتکب چنان خطاها و گناهانی شویم و آنگاه چه میشود !!؟

خدای رحمان دستور می فرماید این بساط را بردارید ، دروازه های بهشت را باز کنید که دیگر درنگی در کار نیست ، همه فرزندان آدم یکجا بدون شرط و شروط از گبر و ترساویهود و مسلمان مسیحی و مشرک و محود از نیکوکاران گرفته تا جنایت کاران از خدا پرستان گرفته تا بی خدایان از ابراهیم پیامبر گرفته تا نمروط و موسی و فرعون و عیسی و محمد و ابوجهل و ابولهب ، از مارکس ولینن مائو تا حفیظ الله امین ترکی و وکارمل دوستم و در نهایت حتی من و حتی شخص جناب استاد همه وارد بهشت می شوند و باچهچه و خنده استاد را در بغل میگردند و میگویند که استاد معظم بارک الله که کارت حساب شده ودقیق بود بود که اگر جناب عالی نبودید و حساب و کتاب وعدل و داد هم چنان ادامه می یافت پایان کار چه شد سرنوشت ما به کجا می کشید ما کجا و این جنت برین کجا !!

با امتنان و تشکر فروان از استاد ، همه ظالمان و مظلومین هم دیگر را در آغوش میگردند تا آن جا که یزید لعنتی هم در کنار حسین رودر روی هم می خندند و بارک الله استاد میگویند.

ایالات متحده به عنوان ارباب اصلی بازی، لاشه مرداری را بنام موافقتنامه امنیتی در بازار معامله کابل به حراج گذاشته است ، دلقک کلان جناب کرزی را وظیفه داده است که جوجه دلقک های خودش را از همه قماش ها و گروه ها به بازی گری در بازار معامله دعوت کند تا بازار رونق بیشتر و خوب تری داشته باشد بازار حراج برای سه روز طول میکشد، دلقک ها در اجتماع بنام لویه جرگه دور هم جمع میشوند مواد مندرج در موافقتنامه را به بحث میگیرند باهم می خندند بر سر هم داد می زنند در مواردی هم اعلام موافقت و مخالفت می کنند نقص و نواقصش را اصلاح می کنند و بالاخره هم پای این لاشه متعفن ننگین در تاریخ مملکت امضا می کنند و با دریافت حق و حقوق و

بخشش و هزینه سفر به شهر ها و دیارشان بر می گردند .. تا مراحل دیموکراسی مورد اجرا قرار گیرد .

این معامله برای خودش موافقان و مخالفانی دارد ، موافقان را ، جناح دولت مداران کابل و متحدین ارباب بزرگ اعم از کُرزی و جناح سیاسی مخالفش از هر قماش و گروه و قوم نژادی تشکیل میدهند ، زیرا از سفره ارباب خوردند و از منصب و ثروتش به آب و نان رسیدند ، از توجه و الطاف ارباب بزرگ به القاب و افتخار کذائی مارشالی و دکتوری مفتخر شدند تا به خواست کاخ سفید هم به ریاست جمهوری آینده کشور .. فرهنگ نان و نمک پاس را داشتن در ملک و جامعه ما هم حکم میکند که چنین باشند البته حرص توقع برای آل و اولاد در آینده وطن سرجایش !!

و اما مخالفان :

متأسفانه در دیار ویران شده ما بنام افغانستان مخالفت ها و موافقت ها دوستی ها و دشمنی ها ریشه های سیاسی و پایه های عقلانی ندارد معیار دوستی ها و دشمنی هارا منافع شخصی و گروهی و احیاناً قومی تعیین میکند و بعداً برای معقول و منطقی جلوه دادن اغراض ، معامله گران اعمال خودشان را پوشش دینی و مذهبی و ملی میدهند . و در راستای دفاع از منافع مردم وانمود میکنند ، در این دوستی ها و دشمنی ها کشورهای خارجی بخصوص ، از همسایگان بی مروت گرفته تا ابرقدرت آن سردنیا هم نقش اساسی و تعیین کنند ه را بازی میکنند .

در معامله کنونی بنام موافقتنامه امنیتی (کابل - آمریکا) کشورهای همسایه از پاکستان مکار و حقه بارتا ایران نیمه هسته ای مغرور و روسیه زبون هریک منافع خود را به نحوی در خطر میدانند و برای مقابله با آن ، جو جه شغال های خود را دستور میفرمایند که به تبلیغات خلاف ، از هر طریق ممکن که لازم باشد بپردازند ، د روادی مخالفین پاکستان و رهبران نظامی اش بخصوص سازمان استخباراتی آی اس آی دست بالاتر از دیگران را دارد ، پاکستان در جبه نظامی ، ملیشای خون آشام بی فرهنگ و جاهل بنام طالبان دارد که از سالیان سال بدین سو بر علیه مردم ما می جنگند و تا کنون بدست هیمن طالبان و داعیان امارت اسلامی و مجریان شریعت محمدی ، هزاران هزار تن از پیروان مومن و بیگناه و بیچاره غیر نظامی به خاک و خون افتیده اند . اگر کمی دقت شود این طالبان هستند که زمینه حضور و ماندن آمریکائی ها را در دراز مدت در این سرزمین مهیا کردند اگر طالبان برآستی مخالف حضور آمریکائی بودند به مجرد مطرح شدن توافقنامه امنیتی باید اعلام میکردند ، که طالبان کرام برای جلوگیری از شکل گیری این مصیبت یعنی ماندن و حضور نیروهای بیگانه در افغانستان ، آتش بس اعلام میکنند همین حکومت کُرزی را به رسمیت می شناسند و نیازی دیگر به ماندن و حضور

امریکائی ها در کشور نیست و اگر بعد از آن دولت ویاکسانی دیگر میخواستند برای امضا توافقنامه امنیتی تلاش کنند آنگاه طالبان حق داشتند که آن اشخاص را به عنوان خائنین ملی به مردم معرفی کنند ، ولی ترورهای زنجیرئی کشته ر سربریدن ها انفجارهای کنارجاده ای عملیات های انتحاری همه نشانده این است ،که این گروه مزدور بی هویت بنام طالب اختیاری از خود ندارد وفرمانشان دردست همان آی اس آی است و خیال آستی و تفاهم با مردم افغانستان را ندارندو به دستور بادران پاکستانی خود شان هم چنان به طبل جنگ می کوبند این ملت با داشتن خاطرات بسیار وحشتناک از حکومت طالبی و امارت به اصطلاح اسلامی گذشته وجلوگیری از تکرار فجایع گذشته توسط این این گروه سفاک مجبور است که توافقنامه امنیتی با آمریکائی هارا امضا کند .

رهبران آی اس آی بنا بر حساسیت موضوع آخرین داشته ونداشته چنته خود را به میدان آوردند وبنام روشنفکر ودعوت گر وملا ومولوی جبه تبلیغاتی جدیدی را را بنام جبه وحدت ملی درمیدان سیاست باز کردند جالب است که ریاست این جبه را شخصیت بدنام شناخته شده و فرصت طلبی بنام انجنیر احمد شاه احمدزی به عهده دارد که جناب شان **بعد از یازده سال زندگی در زیرچتر امنیتی آمریکا و ناتو در کابل و خرید و فروش ملیون ها دالر املاک بصورت قانونی و غیر قانونی و اشتراک در انتخابات ریاست جمهوری سال ۱۳۸۴ خورشیدی اکنون میفرمایند : « انتخابات را مشروع نمی دانم زیرا کشور در اشغال نیروهای بیگانه است !!»**

ایشان بعد از گذشت یازده سال تازه از خواب بیدار شدند ویکباره متوجه شدند که کشور در اشغال است و سربازان بیگانه در این سرزمین حضور دارند !

ولی واقعیت قضیه غیرا زاین است ،جناب انجنیر احمد شاه احمدزی به عنوان یک کارشناس و معامله گر با سابقه وباتجربه بخوبی درک نموده است که اکنون با رفتن نیروهای آمریکائی ازکشور بازار غربی و غربی گرائی کساد پیدامیکند و درمقابل بازار آزادیخواهی و انقلابی گری و دین فروشی و قران فروشی رونق بیشتری می یابد ...

در حالیکه جناب احمد زی ،روزگاری در پشاور در کنار استاد بزرگ، برای خوش خدمتی و تملق چاپلوسی به اعراب شامل درجهاد مردم افغانستان ، فتوای تکفیر ضد شیعی و وتکفیر خمینی صادر میکرد و اصلا شیعه وهزاره را مسلمان وحتى افغان نمیدانست ولی حالا با تغیر و وضعیت بازار وسبقت حریفان افغانی آمریکائی از ایشان در کاخ سفید، با کمال وقاحت سر از سفارت ایران در کابل در می آورد و با اشتراک در راهپیمائی هفته قدس زیرعکس امام خمینی به به دفاع از مردم فلسطین شعار سر میدهد

وحمایتش را از فلسطین مظلوم اعلام میکند به گفته شاعر : تو کار زمین را نکوساختی
که بر آسمانش بپرداختی

غارت و چپاول این مبارز و مجاهد فی سبیل الله و تعداد خانه های غصبی و زور خرید
جناب شان در دوران صدارت و وزارت حکومت برهان الدین ربانی زبان زد هر
خاص و عام در شهر کابل است ، در آن زمان آتش حرص این جناب به حدی شعله
وربود که دود نان باای غصبی ایشان در وزیر اکبرخان کابل چشم هر رهگذری را
خیره میکرد و باشندگان خارجی وزیر اکبرخان که با آتش و دود آشنائی نداشتند هر روز
به گمان آنکه شاید آتش سوزی بزرگی در منطقه ایجاد شده باشد در اضطراب و تشویش
به سرمیبردند تا بعدا متوجه شدند که دود به آسمان رسیده از تندور نان احمد شاه خان
است که میخواهد برای مردم و باشندگان وزیر اکبرخان نان عرضه کند !! البته عکس
نان وائی بادود و آتش غیر معمول در انترنت موجود است که بسیار بسیار جالب
و دیدنیست

این جناب اکنون برای خودش شرکت تجارتی دیگری بنام حزب اقتدار اسلامی تاسیس
نموده است و با تعدادی دیگر از هم کاسه گان و هم فکran خودش با تکیه به ریاست
جبه وحدت ملی، باز هم به فکر احیا اسلام و حکومت اسلامی افتیده است که این بار
معلوم نیست کدام زمین و خانه و هتل دیگری را در داخل و یا خارج کشور در آمریکا و
کانادا و یا هم دبی و قطر زیرچشم کرده است.

گذشته از این دستبرد ها، جناب معظم احمد شاه احمدزی به عنوان رئیس جبه ملی سخن
از دفاع حق حقوق مردم افغانستان میگوید و خود را برای دفاع از این حقوق مسئول
میداند در حالیکه تا کنون طی این یازده سال حضور و زندگی نامبارک شان صدها تن
از مجاهدین خوشنام و باوقاری تو سط طالبان وحشی ترور و کشته شدند هزاران تن
دیگراز مردم بیدفاع و مظلوم افغانستان بر اثر انفجار بمب های کنارجادای های شرین
خودر از دست دادند و لی جناب احمد زی و متحدین شان در جبه وحدت ملی یک بار هم
لب باز نکردند و این همه قساوت و جنایت طالبان سیاه دل خدا شناس را محکوم
نکردند برای اینکه پای ارباب پاکستانی آی اس آی لعنتی همان ولی النعمت قبلی در
بین است و لی نعمتی که در مدت 14 سال دوران جهاد این مزدوران را بزرگ کردو
به نان آب رسانید .. و برای خدمت مبادا در چنین روز و روز هائی نگهداشت !!

از جناب احمدشاه و سخن گوی کارشناسش جناب وحید مژده به عنوان روشنفکر طالبی
بهتر است پرسیده شود که این همه غیر نظامی بیچاره بی خبر از دنیا که بر اثر انفجار
های طالبان کرام کشته میشوند و سربریده میشوند ، آیا افغان نیستند آیا این ها انسان
نیستند آیا اینها مسلمان نیستند اینها حق زندگی ندارند نمازگذارانی که در روز عید

خدائی در مسجد و خانه خدا کشته شدند، در عروسی در تدفین مرده در قبرستان یکبار جناب وحید مزده و رئیس حزبش جناب احمدزی زبان باز نکردند که آی طالبان کرام این مردم بیچاره و غیرنظامی بدبخت افغانستانی را نکشید .

احمدزی بجای خوش خدمتی به ایرانیان و راه پیمائی و سخنرانی در تظاهرات هفته قدس بهتر است که به متحدین طالب خودش میگفت هزاره های مظلوم فقیر و بیچاره را در راه کابل و بامیان و ردک و میدان سرنیرید این هزاره ها هم انسان هستند و حق زندگی در این ملک دارند .

ودرنهایت جناب احمدزی شمارا به خدا و اسلام و مردم افغانستان چکار شمارا چکار به فلسطین و قدس چکار شماکه با آمریکائی ها و اسرائیلی ها ر شته خویشاوندی دارید خانم شما آمریکائی است جوانی را با شراب و دختران ماه پیکر آمریکائی سپری کردید و حالا در دوران پیری از شریعت اسلام صحبت میکنید و میخواهید مردم ما را هیچ نخوردند و هیچ جا را ندیدند ، شلاق و دره بزنید این حرف ها و شعار ها برای شما زیبنده نیست بهتر است شما باهمان امیر کور بدنام تان ملا عمر بیسواد جاهل یکجا شوید و از همان سنگر یکجا باهم قوله بکشید مردم افغانستان شما را و استاد تان برگ تان را که روزگاری ملقب به عمر سوم بود به خوبی شناخته است این مردم دیگر فریب نمی خورند قبول کنید که تاریخ مصرف شما گذشته است و سرنوشت شما محتوم به زباله دانی تاریخ است که به عنوان خائنین به دین خدا و ظالمین به مردم افغانستان دفن میشود و نفرین ابدی هم با شما خواهد بود.